

توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال هفدهم
شماره ۱۹۷ مرداد ماه ۱۳۹۵ - اوت ۲۰۱۶

تمهیدات نظامی ناتو برای تجاوز یا «عملیات پیشگیرانه و دفاعی»

سران سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) که تعداد اعضایش اکنون به ۲۸ رسیده است، در جلسه ای که در روزهای هشتم و نهم ژوئیه، با تصویب پیشنهاد ائتتون کارتر وزیر دفاع آمریکا مبنی بر استقرار چهار گردان هزار نفره از آغاز سال ۲۰۱۷ در کشورهای همجوار فدراسیون روسیه، لتونی، لیتوانی، استونی و لهستان، عملاً شیپور جنگ را به صدا در آورده و مناسبات ناتو با روسیه را به سمت تنش کم سابقه ای سوق داده اند. علاوه بر چهار کشور مذکور، رومانی، اسلواکی، چک، مولداوی و فنلاند نیز همکاری سیستماتیک و تنگاتنگ با ناتو خواهند داشت. مضافاً این که ناتو یک سامانه موشکی نیز در کشور رومانی مستقر خواهد کرد. ناگفته نماند که کشورهای بالتیک و لهستان قبلاً تقاضای استقرار سربازان و تجهیزات نظامی ناتو را در خاک کشورهای خویش کرده بودند. دولت لهستان حتی خواب استقرار سربازان آمریکا را که در آلمان بعد از جنگ مستقر شده بودند، در خاک کشور خویش می دید. لازم به یادآوری است که اقدام اخیر ناتو، برخلاف قرارداد ناتو با روسیه است که در آن ناتو متعهد می شود که جهت دفاع از خود نیروی نظامی ... ادامه در صفحه ۲

در حاشیه کودتای نافرجام نظامیان

ترکیه پدر خوانده داعش در منجلاب آشوب و تشنج

در کشور ترکیه توسط ارتش، کودتایی انجام گرفت تا دولت یکه تاز اردوغان را سرنگون سازد. این کودتا که بسیار کودکانه تدارک دیده شده بود به سرعت درهم شکست، به طوری که این شایعه اوج گرفت که دست خود اردوغان در این کودتا برای پیشبرد مقاصدش در کار بوده است.

اگر از تئوری توطئه فاصله بگیریم، باید اعتراف کنیم که مردم ترکیه با توجه به تجاربی که از کودتاهای نظامی ارتش ترکیه دارند و در گذشته داشته اند، هرگز با نظامیان که در زمان قدرتش فقط با زندان، شکنجه، اعدام و حکومت نظامی و قتل عام در تمام دوره های گذشته حکومت کردند، موافق نبوده و نخواهند بود. در همان شب

کودتا، همه سازمانهای اپوزیسیون در ترکیه از مردم خواستند که در مقابل ارتش کودتاگر که مظهر ارتجاع و سرکوب در ترکیه و در منطقه است به مقاومت برخیزند. هیچ سازمان دموکراتیکی در ترکیه وجود ندارد که کودتای ارتش را مورد تأیید قرار دهد. شکست کودتا در عین حال موجب تقویت اردوغان شد که با بسیج هوادارانش تمام دستاوردهای دموکراسی را به زیر پا می گذارد و به سیاستهای ماجراجویانه خویش در منطقه ادامه می دهد. این کودتای نافرجام موجبات تقویت اردوغان را فراهم آورده است. وی قصد دارد با تصفیه مخالفان از گناهکار گرفته تا بی گناه، پایه های لرزان تختش را تقویت کند و با تغییر قانون ... ادامه در صفحه ۲

نژادپرستی جزء جدائی ناپذیر نظام سرمایه داری امپریالیستی آمریکاست

یه سیام من (از لنگستون هیوز نامی ترین شاعر سیاهپوست و کمونیست آمریکایی برگردان احمد شاملو)

"یه سیام من:

سیا، من شب که سیاست

سیا، عین اعماق آفریقای خودم.

برده شدم:

سزار بم گفت پله هارو براش تمیز کنم

چکمه های واشنگتن رو من واکس زدم.

کارگر شدم:

آهرام مصر و دستای من بالا برد

ملاط و شفته ی آسمون خراش وول ورت رو من درست

کردم.

آوازه خون شدم:

آوازی عم انگیزمو از آفریقا تا جورجیا

تو تموم اون راه دراز با خودم کشیدم.

من بودم که راگ تایم رو ساختم.

قربونی شدم:

تو کنگو، بلژیکی ها دستامو قطع کردن.

هنوز هم تو تکراس منو لینچ می کنن.

یه سیام من:

سیا، عینو شب که سیاست

سیا، عین اعماق آفریقای خودم."

... ادامه در صفحه ۴

بیانیه مائو تسه دون در مورد جنبش سیاهان در آمریکا

این بیانیه، خلقهای جهان را به اتحاد بر علیه تبعیضات نژادی که از طرف امپریالیسم آمریکا اعمال می گردد و به پشتیبانی از مبارزه سیاهپوستان آمریکا بر علیه این تبعیضات نژادی دعوت می کند (صدر مائو تسه دون این بیانات را در ۸ اوت سال ۱۹۶۳ در موقع ملاقات با دوستان آفریقائی ایراد کرده است - توضیح اداره نشریات زبانهای خارجی پکن ۱۹۶۴).

"یکی از لیبرهای سیاه پوستان آمریکا، صدر سابق شعبه انجمن غیر سفیدپوستان سراسر آمریکا در شهر مونروئه از ایالت کارولینای شمالی آقای روبرت ویلیامس که اکنون در کوبا پناهنده می باشد، در سال جاری دو بار از من تقاضا کرد که بیانیه ای منتشر ساخته از مبارزه سیاه پوستان آمریکا علیه تبعیضات نژادی پشتیبانی کنم. من می خواهم با استفاده از این فرصت بنام خلق چین از مبارزه سیاهپوستان آمریکا علیه تبعیضات نژادی و به خاطر آزادی و برابری حقوق ابراز پشتیبانی قطعی کنم. جمعیت سیاهپوستان آمریکا مجموعاً ۱۹ میلیون نفر ... ادامه در صفحه ۵

به حزب کار ایران (توفان)، حزب طبقه کارگر ایران پیوندید

ترکیه پدرخوانده داعش...

اساسی، نظام ریاستی جمهوری را به تصویب برساند و خودکامه ی کامل شود. کودتاگران نه تنها به نتیجه نرسیدند، بلکه وضعیت اردوغان را نیز تحکیم کردند و در این عرصه با همه آن افراد و سازمانها و نظریات ضدانقلابی و ارتجاعی در ترکیه، در منطقه و جهان که از اردوغان برای تجاوزش به سوریه و سرنگونی یک رژیم مشروع و قانونی در سوریه حمایت می کردند، همدستند. اردوغان پدرخوانده داعش بود و همه ی ارتجاع جهان از گسیل داعش توسط ترکیه، عربستان سعودی و امپریالیسم به کشور مستقل، قانونی و مشروع سوریه حمایت می کردند و زیر بغل اردوغان را گرفته بودند و اپوزیسیون خود فروخته ایران نیز در کنار آنها قرار داشتند و برای پیروزی داعش و سرنگونی بشار اسد هورا می کشیدند و دعا می کردند.

اردوغان با حمایت مردم ترکیه به طور "دموکراتیک" بر سریر قدرت باقی می ماند و این نشانه ی وضعیت مضحکی است که مدافعان دموکراسی های غربی با آن روبرو شده اند. از منظر غربی ها اردوغان تروریست و خودکامه است، ولی پرزیدنت اولاند در فرانسه که همان ریاست جمهوری ریاستی را اعمال می کند، و همان کارهای اردوغان را با آرایش "مدرن" انجام می دهد، مستبد نیست، دموکرات و مدافع حقوق بشر و ضد تروریسم است؟! دموکراسی غربی بر اساس منافع طبقاتی تعریف می شود.

اردوغان با سیاست پان اسلامیتی و پان ترکیستی، وضعیت آشوب و متشنجی در ترکیه و منطقه ایجاد کرده است. اوضاع ترکیه متزلزل است و گرچه "قدرت" اردوغان بلامنازع به نظر می رسد و همه چیز دال بر پیروزی اردوغان است، ولی اوضاع ترکیه نابسامان است و تحولات فراوانی در آینده نزدیک دامن ترکیه را خواهد گرفت. در این ارزیابی یک نکته را نیز نباید نادیده گرفت و آن اینکه احتمال این امر که کودتای نظامی در ترکیه با شرکت نیروی هوایی در یک ارتش متعلق به ناتو بدون اطلاع ناتو و به ویژه آمریکا صورت گرفته باشد، بعید به نظر می رسد. حملات عصبی اردوغان به آمریکا برای تحویل یکی از رهبران اپوزیسیون ترکیه در آمریکا بنام آقای "گولن" که وی را مسئول کودتا قلمداد می کند، احتمالاً ریشه در همین تحلیل دولت اردوغان و دست داشتن ناتو در کودتا دارد. فراموش نکنیم که رهبری ناتو با ماجراجویی دولت ترکیه در سرنگونی هواپیماهای سوریه و صحنه سازی که گویا هواپیماهای سوریه به خاک ترکیه تجاوز کرده اند و یا سرنگونی هواپیما روسیه در خاک سوریه هرگز موافق نبود. اروپا هرگز بازی قمار را که ترکیه بر سر مسئله پناهندگان سوریه با اروپائی ها می کرد هضم نکرد و در

پس پرده از تمام امکانات خویش برای ضربه زدن به اردوغان دست برداشت. این ماجراجویی و اقدامات غیر قابل محاسبه اردوغان که موجبات ناخرسندی را فراهم می کرد، هر لحظه می توانست آتش جنگ جهانی سوم را در منطقه برافروزد. پیمان ناتو طبیعتاً نمی توانست افسار تعیین سیاست جهانی خویش را به دست آقای اردوغان بدهد. اینکه ناتو با سرنگونی اردوغان و روی کار آمدن نظامیان موافق باشد امری قابل فهم خواهد بود.

حزب ما بر این نظر است که تنها یک حکومت مردمی که ملهم از نظریات توسعه طلبانه پان ترکیستی و اسلامیتی نبوده و به اصول دموکراسی احترام بگذارد و از سرکوب مخالفان دست برداشته و با همسایگان خویش در حسن همجواری زندگی کند و از پیمان تجاوزکارانه ناتو خارج شده، روابطش را با صهیونیسم قطع نموده و استقلال ترکیه را تضمین کند و حقوق خلق کرد را به رسمیت بشناسد و از تجاوز به حقوق اقلیت ارمنی و علوی دست بردارد، علی الاصول قادر خواهد بود به اوضاع متشنج ترکیه در همان کادر بورژوائی کنونی مسلط شود. بی کفایتی بورژوازی ترکیه رسالت این آزادی و رهائی ترکیه را به عهده طبقه کارگر ترکیه قرار خواهد داد. در غیر این صورت بحران ترکیه تنها به درازا خواهد کشید و تروریسمی که اردوغان در دامان خود برای تجاوز به سوریه و دخالت در اوکراین و منطقه پرورده است، دامن خودش را خواهد گرفت. حزب ما اگر به معجزات مذهبی و قدرت ماوراء الطبیعه اعتقاد می داشت، بیان می کرد که این آه کودکان سوریه و عراقی است که دامنگیر اردوغان شده است. کودکانی که به دست اردوغان ها به اسارت در آمده، آواره شده، در آبهای دریا غرق می شوند و یا در بازارهای برده فروشی ترکیه خرید و فروش می گردند و مهره معاملات سیاسی با اروپا قرار گرفته اند. این آه زنان سوریه و عراق است که خانواده های آنان را پان ترکیسم و عثمانیسم متلاشی ساخته و به خود فروشی برای ادامه حیات محکوم کرده است. کودتای در ترکیه آغاز تشنج و آشوب و تزلزل در ترکیه است که برای همه منطقه خطرناک می باشد. اردوغان در منجلابی که خود آفریده غرق می شود، ولی بشار اسد رئیس جمهور قانونی سوریه که از استقلال کشورش دفاع کرد، مورد حمایت مردمش قرار خواهد گرفت و کشورش به سمت آرامش و تسلط بر تروریسم و اسلامیسم روان خواهد شد.

"پیروزی" اردوغان هیچ کدام از این تضادهای موجود را حل نکرده است، بلکه با فشارهای اقتصادی بعدی تشدید نیز خواهد شد. در قماری که اردوغان کرده است تنها دست اول را برده، ولی بازی را نبرده است. ترکیه بر لب پرتگاه آشوب و تشنج قرار دارد.

حزب کار ایران(توفان)

۲۷ تیرماه ۱۳۹۵

تمهیدات نظامی...

در کشورهای اروپای شرقی مستقر نسا زد. اما از آنجا که امپریالیسم غرب هدفش منزوی ساختن روسیه و تنگ تر کردن هر چه بیشتر حلقه محاصره این کشور و در نهایت تجاوز به آن است، آشکارا پا روی قراردادهای نهاده و ناتو را هر چه بیشتر به مرزهای روسیه نزدیک می سازد. امروز دامنه رزمایش های (مانورهای نظامی) ناتو حتی گرجستان را نیز دربر می گیرد. این واقعیت گواه بی ارزش بودن این نوع قراردادهای بدون پشتوانه است. پشتوانه هر قراردادی زور است و پس.

آخرین آنها مانور وسیع «آناکوندا» در لهستان در ماه ژوئن سال جاری بود که در آن سی و یک هزار و پانصد سرباز از ۲۴ کشور عضو ناتو شرکت داشتند. لازم به تذکر است که از سال ۱۹۹۰ تاکنون این بزرگترین مانور ناتو در اروپای شرقی بشمار می آید. لهستان حتی از گرجستان و اوکراین نیز جهت شرکت در این رزمایش دعوت به عمل آورد. اکنون قرار بر این است که پس از استقرار این ۴ گردان در استونی، لتونی، لیتوانی و لهستان، مسئولیت این نیروها که متشکل از سربازان اعضای ناتو هستند، در لتونی با کانادا، در استونی با انگلستان، در لیتوانی با آلمان و بالاخره در لهستان که بزرگترین آنهاست، با آمریکا باشد. لازم به یادآوری است که این خبر قریب به یک سال پیش از طریق نشریه «وال استریت ژورنال» علنی گشته بود. وزیر دفاع آمریکا در اجلاس پانیزی ناتو اعلام کرده بود که آمریکا ۳ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار جهت استقرار نیروهای آمریکایی در اروپای شرقی اختصاص داده است. «آشتولتنبورگ» دبیر کل ناتو و خاتم مرکل صدراعظم آلمان و نیز سایر سران کشورهای ناتو ادعا می کنند که گسترش زرادخانه ها و تعداد سربازان اخیر ناتو در اروپای شرقی صرفاً «جنبه دفاعی دارد»؟؟؟!!! و نیز تأکید می کنند که ما خواهان جنگ با روسیه نیستیم، بلکه در مقابل تحریکات روسیه و اشغال کریمه واکنش نشان می دهیم؟! به این مسئله که چرا درگیری های اوکراین و اشغال کریمه از طرف روسیه پیش آمد، حزب ما قبلاً به تفصیل سخن گفته است. لذا در اینجا به طور گذرا به این مطلب اشاره می کنیم که: زمانی که گورباچف در معامله با غرب که منجر به فروش اروپای شرقی به امپریالیسم غرب گردید، او از رهبران غرب «قول شرافتمندانه»، البته از نوع امپریالیستی اش گرفت که کشورهای اروپای شرقی دستخوش گسترش ناتو نشوند. ولی جهان شاهد بود که سران فریبکار ناتو به سرعت کشورهای اروپای شرقی را یکی پس از دیگری به عضویت ناتو در آوردند و در پایان با کودتا در اوکراین طرح پیوستن این کشور را به ناتو به اجرا گذاردند. در این زمان روسیه خود را ناچار دید که کریمه را که گذرگاه نیروهای نظامی ناتو از دریا به خشکی را ممکن می... ادامه در صفحه ۳

تمهیدات نظامی...

ساخت، و علاوه بر این قبلا هم جزء خاک روسیه بود و خروشچف آن را به اوکرائین بخشیده بود، اشغال کند، تا از این طریق مانع حمله احتمالی امپریالیسم غرب از طریق دریا به روسیه گردد. بیش از ۲۵ سال است که غرب با الحاق مجموعه کشورهای اروپای شرقی به ناتو حلقه محاصره روسیه را هر روز تنگ تر می سازد، اکنون که روسیه قصد نجات آخرین سنگر راهبردی یعنی کریمه را کرده است، آن را تحریک علیه غرب و نشانه لشکرکشی روسیه علیه غرب وانمود می سازند!

امپریالیسم غرب زمانی برای توجیه ایجاد سامانه های موشکی شان در لهستان و اسلواکی به دروغ ادعا می کردند که این موشک ها صرفا نقش پیشگیرانه حملات احتمالی ایران به اروپا را دارند و امروز که کذب ادعاهای مضحک شان برملا گشته، با ریا و تزویر پرده دیگری را به نمایش گذارده و مسئله پیشگیری از حمله نظامی روسیه به متحدین اروپای شرقی را مطرح می سازند. در آن زمان ایرانی های جاسوس نیز با جرج بوش همصدا بودند. از جانب دیگر چاکران آمریکا در اروپای شرقی نظیر «پاروسلاو کاپینسکی» رهبر حزب نژادپرست و راست گرای «قانون و عدالت» به حمایت از حضور نیروی هرچه فزون تر ناتو در شرق اروپا برخاست و در مصاحبه با رسانه های لهستان اظهار داشت: «همه چیزگویی این حقیقت است که ما دیگر عضو [رده دوم] ناتو به حساب نمی آئیم. با مستقر شدن آمریکا در خاک کشورهای ما، جبهه شرق اروپا نیز قوی خواهد شد.»

او که به طور قطع قبل از این در طرح و تدوین این فعل و انفعالات و توطئه ها شرکت فعال داشته است، برای زمینه چینی و آماده ساختن هر چه بیشتر اذهان و ترساندن مردم از روسیه، از ناتو خواسته بود که در رابطه با روسیه از «بوکسور سبک وزن» بودن کناره گیری کند و اگر نمی تواند، «بوکسور سنگین وزن» باشد، «بوکسور میان وزن» باشد!

«آندرزای دودا» رئیس جمهور لهستان حتی یک سال پیش از ناتو خواسته بود تا در لهستان «حضور چشم گیر، هم در بعد زیرساخت ها و هم استقرار نیرو» داشته باشد. مضحک اینجاست که ناتو خود را به جهانیان به مثابه یک نیروی دفاعی می نمایاند. اما شرکت ناتو در جنگ های یوگسلاوی، عراق، لیبی و به نوعی در سوریه حاکی از آن است که این قدرت نظامی جهانی به مثابه حربه ای در دست امپریالیسم برای پیش برد اهداف استعمار، استثمار و هژمونی اش مورد استفاده قرار می گیرد.

از اینرو سران ناتو مدتهاست که تدارک جنگ با روسیه را می بینند. لذا استقرار موشک های گوناگون و اکنون نیروی نظامی در کشورهای

اروپای شرقی - که دبیر کل ناتو اشتولتنبرگ آن را «اقدامی پیشگیرانه و دفاعی» می نماید و معتقد است که «به هیچوجه قصد تحریک روسیه را ندارد!!» - عملا نشانه های بارز تمهیدات و تدارکات جنگ با فدراسیون روسیه می باشد و بس.

به همین دلیل سران ناتو در نشست ۲۰۱۴ در شهر «نیو پورت» در کشور «ویلز» تصمیم به ایجاد «یک نیروی فوق ضربتی بسیار سریع» Redness action plan (RAP) and very high rediness joint task force (VjTF) جهت پیشبرد «عملیات نظامی بسیار سریع» گرفتند.

ما نمی دانیم که «دم خروس» را قبول کنیم یا «قسم حضرت عباس» را، وقتی که دبیر کل ناتو مزورانه ادعا می کند که: «ناتو برای هیچ کشوری تهدید نیست و ما دنبال مقابله نظامی نیستیم». مضحکتر این که صدر اعظم آلمان خانم مرکل علیرغم موافقت با سیاست تحریک آمیز، تهاجمی و جنگ طلبانه ناتو که عملا شمشیر جنگ را بالای سر روسیه به گردش درآورده است، در عین حال ریاکارانه مدعی است که «دست دوستی ما به سوی مسکو کماکان دراز است!!»

وی که از یک طرف به مثابه نماینده پر قدرت ترین امپریالیسم اروپا خود را موظف می داند که به طرح تهاجمی ناتو لبیک گوید و از جانب دیگر تحت فشار بخشی از سرمایه داری آلمان که مخالف اتخاذ سیاست میلیتاریستی و خصمانه و نیز وضع کردن تحریم ها علیه روسیه است، می باشد، ناچار است به این ضد و نقیض گوئی و یاهو سرایی روی آورد.

خانم مرکل و سایر سران ناتو که مسکو را «به عدم به رسمیت شناختن تمامیت ارضی و استقلال اوکرائین» متهم می سازند، خود با تهاجم و تجاوز ناتو در یوگسلاوی، افغانستان، عراق، لیبی و ... نه تنها استقلال و تمامیت ارضی این کشورهای را زیر پا له کردند، بلکه باعث تخریب بیرحمانه این کشورها و نیز آوارگی میلیون ها زن و مرد و کودک در جهان شده اند. این است نمونه بارز دوگانگی اخلاقی بورژوازی. ننگ آوارگی اجباری انسانهای گرسنه و بی سرپناه که در اثر جنگ در معرض نیستی و نابودی قرار گرفته اند، و امروز تعداد آنها به ۶۵ میلیون نفر رسیده است، نصیب چه نیرویی غیر از امپریالیسم غرب به ویژه آمریکا خواهد شد؟ اما علل ایجاد تنش های مضاعف و زمینه سازی های تجاوز به روسیه را در کجا باید جست؟

۱- روسیه به مثابه کشوری رقیب، ارتشی مجهز و قوی، تسلیحات استراتژی و لشکر زرهی مدرن، موشک های گوناگون از جمله موشک های قاره پیمای «سرمت» و نیز سلاح های اتمی در اختیار دارد.

۲- روسیه کشور پهناور و از لحاظ ذخائر مواد انرژی زای فسیلی (نفت و گاز) و نیز سایر مواد و فلزات کانی کمیاب و پر ارزش، بسیار

غنی است و به همین دلیل حائز اهمیت فراوان است.

۳- این کشور پهناور که جمعیتی قریب به ۱۵۰ میلیون نفر را در برمی گیرد، طبیعتا بازار فروش عظیمی نیز برای امپریالیسم غرب بشمار می آید.

۴- روسیه وسیع ترین کشور جهان است، این کشور با اقیانوس منجمد شمالی، دریای خزر، دریای سیاه، دریای بالتیک هم مرز است. ۱۴ کشور آسیایی و اروپایی دارای مرز مشترک زمینی و یا آبی با روسیه هستند. در اینجا اشاره به این مطلب را لازم می بینیم که علیرغم این، به غیر از مسئله کریمه که قبلا به آن واقعیتنا اشاره شد، روسیه تاکنون به هیچ یک از این ۱۴ کشور نه تجاوز کرده و نه آنها را تهدید به جنگ نموده است. لذا بی جهت نیست که امپریالیسم غرب به سرکردگی آمریکا برای این کشور رقیب دندان تیر کرده است.

البته این به آن معنی نیست که امپریالیسم روس که در حال حاضر امپریالیستی ضربه خورده و تضعیف شده به نظر می رسد، فاقد خصوصیات جنگ طلبانه، هژمونی طلبانه و استثمارگرانه است و به امپریالیستی خوش اخلاق و صلح جو تبدیل شده است. آقای پوتین و ژنرال هایش خوب می دانند که در حال حاضر حمله به هر کشوری در اروپای شرقی به معنی درگیری با ناتو، این عظیم ترین ماشین جنگی جهان به شمار می آید، که طبیعتا به هیچ وجه توان چنین مقابله ای را در خود سراغ ندارند.

در حقیقت «خانه نشستن بی بی از بی چادری است». علیرغم این امپریالیسم روس در قبال تنش زائی ها، تحریکات و تهدیدات غرب ساکت ننشسته است. سران حکومت و ارتش مسکو نه تنها با زبان دیپلماسی و تهدیدات نظامی مقابل امپریالیسم غرب در مقام پاسخگویی مقابل به مثل برآمده اند، بلکه از نظر نظامی نیز فعالانه مشغول تمهیدات نظامی اند.

«ماریا زاخارووا» سخنگوی وزارت خارجه فدراسیون روسیه چند روز پیش از تصمیم ناتو مبنی بر استقرار نیروی نظامی بیشتر و نیز سامانه موشکی در مرزهای روسیه شدیداً انتقاد کرد و آن را نگران کننده خواند. دریادار «ولادمیر کومویدوف» رئیس کمیسیون امور دفاعی دوما روسیه تهدید کرده که روسیه در یک نبرد احتمالی به سامانه موشکی آمریکا در مرزهای کشورش حمله خواهد برد. او آمریکا را متهم کرده که با استقرار سامانه پدافند موشکی در کشورهای اروپای شرقی این بخش از اروپا را گروگان طرح های نظامی خود ساخته است. وی در مصاحبه با خبرگزاری «روسیا سگوندیا» به صراحت گفت: «سامانه پدافند موشکی آمریکا در اروپای شرقی آماده باش جنگی دارد و هدفش نابودی موشک های روسی است.» و ادامه ... ادامه در صفحه ۴

امپریالیسم آمریکا تروریست، جاسوس، ناقض حقوق اساسی انسانها و دشمن شماره یک بشریت است

تمهیدات نظامی...

داد: «اگر موشک های آمریکا حمله را آغاز کنند... روسیه نیز فرمان حمله با موشک های تاکتیکی را صادر خواهد کرد». حتی میخائیل گورباچف نیز اظهار فضل نموده، معتقد است که: «ناتو مقدمات گسترش جنگ سرد به جنگ گرم را آغاز کرده است... تمامی لفاظی ها در ورشو خبر از اعلان جنگ علیه روسیه می دهد... آنها از دفاع سخن می گویند، ولی در عمل خود را برای تهاجم آماده می سازند. «سرگی شوئیکو» وزیر دفاع روسیه در تیر ماه امسال اعلام کرد که: «افزایش حضور نظامی ناتو در نزدیکی مرزهای روسیه پایه های امنیت در اروپا را بر هم می زند و روسیه را وادار به برداشتن گام های متقابل می سازد». لذا روسیه اقداماتی بازدارنده را در غرب کشور آغاز کرده است.» و بالاخره او چند روز بعد اعلام داشت که تا پایان سال جاری روسیه ۳ لشکر (حداقل متشکل از ۳۰ هزار سرباز) در جنوب و غرب کشور مستقر خواهد ساخت. «و این رشته سر دراز دارد. جهان شاهد است که امپریالیست ها سال ها است که با ترویج ایده های ناسیونالیستی و مذهبی ملت های اروپای شرقی، خاورمیانه، آفریقای شمالی و ... را به جان هم انداخته تا با تجزیه این کشورها و تبدیل آنها به کشورهای کوچک و کوچک تر، سلطه و هژمونی سیاسی، نظامی و اقتصادی خود را به منظور غارت، چپاول و استثمار هر چه بیشتر این کشورها، گسترش دهند. و اکنون نوبت به روسیه رسیده است. وظیفه کمونیست ها و نیروهای مترقی، ضد امپریالیست و ضد جنگ، آگاه ساختن مردم سراسر جهان از جمله در کشورهای عضو ناتو، افشاء ماهیت میلیتاریستی، جنگ طلبانه و جنگ افروزانه سران ناتو در انظار عموم و بسیج مردم در اعتراض توده ای به این توطئه های ضد بشری است. باید مردم را آگاه ساخت که در صورت بروز جنگ تنها روسیه و مردم آن نیستند که در معرض مرگ، نیستی، آوارگی و گرسنگی قرار می گیرند و بر خیل کنونی آوارگان ۶۵ میلیونی می افزایند، بلکه فاجعه جنگ و عواقب ضد انسانی آن گریبان کل جهان از جمله اروپا و آمریکا را خواهد گرفت. رویدادهای اخیر با ماهیت ماجراجویانه از جانب اعضاء ناتو و یا نزدیک به ناتو، به ویژه ترکیه، گرجستان و اوکراین که خطر یک جنگ ناخواسته و یا زودرس و غیر قابل محاسبه را تشدید کرده است، بحث جدیدی در مورد سلطه بی منازع آمریکا در ناتو و بی اعتباری همه آن بندهائی از پیمان ناتو که مصالح روز امپریالیسم آمریکا را مد نظر قرار ندهند مطرح ساخته است که سرشار از تضادهای لاینحل آتی است و ناتویی را به متحدان آمریکا تحمیل خواهد کرد که فقط گوش به فرمان امپریالیسم آمریکا بوده و با حساب

خود بازی نکنند.

نژاد پرستی جزء...

سیا، عین اعماق آفریقای خودم."

اخبار چند ماه اخیر رسانه ها مرتب از کشتار سیاهپوستان به دست پلیسهای سفید پوست در کشور امکانات و فرصتهای بیکران، خیر می دهد. شیوه زندگی آمریکائی مجاز می دارد که سفیدپوستان سیاهان را مانند گوسفند ذبح کنند و کسی نیز مانع آنها نشود و این اعمال تروریستی و جنایتکارانه را با لقب نژادپرستی نیاراید.

رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا یک سیاهپوست است و یکی از اهدافش این بود که نظر سیاهان را به وحدت آمریکا جلب نموده و نشان دهد در سرزمین فرصتهای طلایی، حتی یک سیاهپوست نیز می تواند تا مقام ریاست جمهوری آمریکا ارتقاء یابد. ولی حالا مجبور است پرده آخر این نمایش را نیز به اتمام برساند و دستهایش را رو کند. حتی روی کار آمدن اوبامای سیاهپوست

که از نظر طبقاتی از طبقات حاکمه آمریکاست و برای ورود به طبقه حاکمه رنگ پوست نقشی بازی نمی کند، نتوانست همزیستی مسالمت آمیز میان سیاهان و تسلیم آنها را به سفیدان فراهم آورد.

آمریکا که پرچم حمایت از حقوق بشر را برای تجاوز به حقوق ملل و به طریق اولی به حقوق بشر در دست گرفته است و به سرزنش جهان نامطلوب مشغول است، نمی تواند در کشور خودش حقوق میلیونها سیاهپوست و هم میهنش را به رسمیت شناخته آنرا برابر با حقوق سفیدان قرار دهد. نژادپرستی بخشی از نظام امپریالیستی است. در ممالک اروپائی نیز این نژادپرستی با نفرت ضد خارجی و تقویت احزاب دست راستی قوام می گیرد و جزئی از نظام فاسد سرمایه داری است که در زمان بحرانها به بزهای بلاگردان در مبارزه اجتماعی نیاز دارند. نظریه نژادپرستی، انسانهای "برتر" و "پست تر" می سازد که فرودستها باید با امتیاز کمتر، با دستمزد ناچیزتر برای فرادستان کار کنند. سرمایه به این طبقه بندی نژادی در خدمت منافع خویش نیاز دارد. در این ممالک آنچه ارزش ندارد حقوق بشر است. حقوق بشر تا لحظه ای

ارزش دارد که کسی خواهان اجرای آن و احترام به آن نباشد. در آمریکا مرتب سیاهان را به دست پلیسهای سفید می کشند و کسی به این وضعیت نا بهنجار و ریشه هایش عمیقاً رسیدگی نکرده و در پی چاره جوئی بر نمی آید. این بیان تسلط تفکر کولوکس کلان در

آمریکا و ادامه سیاست نژادپرستانه آنهاست. همان تفکر و نظام برده داری به صورت مدرن در آمریکا به بقاء خود ادامه می دهد. به علت بی تفاوتی طبقه حاکمه به وضع زندگی سیاهان و یاری به آنها برای بهبود وضع زندگیشان، اکثر جرایم در مناطق سیاه نشین اتفاق می افتد و زندانها از سیاهان گناهکار یا بی گناه موج می زند.

دادگاههای نژادی آمریکا به خواسته های سیاهان توجهی ندارند و به ندرت در مقابل تجاوز سفیدان به حقوق سیاهان حق را رعایت می کنند. هوارد فاست نویسنده کمونیست آمریکائی و مادام العمر تحت پیگرد، خالق کتاب اسپارتاکوس و برنده جایزه استالین در کتاب مشهورش "راه آزادی" به وضعیت برده های سیاه آمریکائی می پردازد و می نویسد که

از فیسبوک توفان انگلیسی دیدن کنید!

<https://www.facebook.com/pli.toufan?ref=ts&fref=ts>



چگونه سفیدان از تحصیل سیاهان (تا زمان ریاست جمهوری جان اف کندی-توفان) در دانشگاههای آمریکا ممانعت می کردند و نخستین پزشک سیاهپوست را ترور کردند. این روحیه ضد بشری با تقویت طبقه حاکمه امپریالیسم آمریکا تا به امروز نیز وجود دارد. سیاهان به جرم رنگ پوستشان در مقابل دادگاه های طبقاتی و نژادی آمریکا علی الاصول مجرمند، مگر اینکه بی گناهی آنها ثابت شود. این وضعیت است که خشم سیاهان را برمی انگیزد و آنها را به مقابله وا می دارد. آنها تحمل برده داری مدرن را ندارند. قاتلان سیاهان راست راست راه می روند و از حمایت قانون برخوردارند و سیاهان را می کشند و کسی بدانشان نمی رسد. اینکه یک سیاهپوست از اسلحه خود استفاده کرده است تا انتقام خون سیاهان بی گناهی را بگیرد که کسی در پی حق جوئی آنها نیست، موجی از وحشت و حمایت از طبقه حاکمه سفید آمریکا ایجاد کرده است. بیکباره از اوباما گرفته تا سایر سیاهان خودفروخته و سفیدان نژادپرست، از تروریسم صحبت می کنند، تو گوئی ترور منظم و حسابشده بر ضد سیاهان تروریسم نیست. اوباما با شتاب از پلیسها تجلیل کرد و کشتن آنها را محکوم نمود تا روشن کند که علیرغم رنگ سیاه پوست، خواهان حفظ نظم سرمایه دارانه و ناعادلانه کنونی است و از منافع طبقه مسلط در آمریکا دفاع می کند و نه اقلیت سیاهپوستان آمریکا. تروریسم برای آنها قتل سفیدپوستان... ادامه در صفحه ۵

انقلاب کبیر اکتبر ناقوس مرگ دنیای سرمایه داری و تولد دنیای نوین بود

نژاد پرستی جزء...

است. بیکارانه پرچم آمریکا را نیمه افراشته می کنند زیرا ۵ پلیس سفید پوست به قتل رسیده اند، ولی برای صدها و هزاران سیاه پوستی که بدست سفیدان مُتله می شوند هیچ پرچمی نیمه افراشته نمی شود. حقیقت این است که طبقه حاکمه آمریکا از توسل به قهر توسط سپاهان هراسیده است. اگر سپاهان دست به اسلحه برند تا از حقوق بشر دفاع کنند نقاب بشر دوستی و دموکراسی و آزادیخواهی امپریالیسم آمریکا را از چهره می برد، زیرا مجبور می شود به قتل عام سپاهان مبادرت ورزد. آنها از اعمال قهر توسط سپاهان واهمه دارند، زیرا پایه های تخت سلطه آنها می لرزد. ولی این مقاومت سپاهان در آمریکا و اینکه این "تابو" درهم شکسته شد که آنها حق ندارند برای دفاع از حقوق خود متوسل به اسلحه شوند، بارقه هائی از امید در دلها زنده کرد. وضعیت آمریکا به آغاز سالهای ۶۰ که نهضت قهرآمیز سپاهان به رهبری "ملکم ایکس" و "بلاک پانتر"ها اوج می گرفت باز می گردد و چه خوب است یاد مجدعلی کلی را زنده کنیم که می گفت: "من به خاطر محبوبیت یا به دلایل شخصی مبارزه نمی کنم. من می جنگم که به برادرانم که در آمریکا روی زمین خوابیده اند، روحیه بدهم، سیاهانی که با کمک های دولتی زنده اند، سیاهانی که چیزی برای خوردن ندارند، سیاهانی که چیزی از خود نمی دانند و سیاهانی که آینده ای ندارند."

"آیا شما می خواهید مرا به زندان بباندازید؟ خوب می دانم، ما ۴۰۰ سال است که در زندانیم. من با کمال میل ۴ تا ۵ سال بیشتری را نیز در آنجا خواهم ماند، ولی من ۱۰ هزار مایل پرواز نخواهم کرد تا آدم بکشم و در کشتن مردم بیچاره کمک کنم. اگر باید بمیرم ترجیح می دهم، اینجا در مبارزه علیه شما بمیرم! آنها دشمنان من نیستند، نه چینی ها، نه ویت کنگ، نه ژاپنی ها. لیکن شما وقتی من طلب آزادی و صلح می کنم، مخالف من هستید. شما لیکن مخالف من هستید زمانی که من طالب عدالت و تساوی هستم. حال من باید برای شما بجنگم؟ به چه دلیل؟ شما حتی در آمریکا نیز برای حقوق من مبارزه نمی کنید؟ حال از من می خواهید که برای شما بجنگم؟ هرگز!"

محمد علی در ۱۹۶۷ از رفتن به جنگ تجاوزکارانه ویتنام امتناع کرد و به زندان افتاد. وی گفت "من هرگز مخالف ویت کنگ نیستم زیرا هیچ ویت کنگی تا به حال به من "کاکا سیاه" نگفته است."

سپاهان مبارزه می کنند تا دنیای انسانی بیافرینند. آنها هستند که موافقان واقعی حقوق بشر در آمریکایند. به سخنان شاعر مترقی آمریکائی سپاهپوست توجه کنیم:

"من در رویای خود دنیایی را می بینم که در آن هیچ انسانی انسان دیگر را خوار نمی شمارد

زمین از عشق و دوستی سرشار است و صلح و آرامش، گذرگاه هایش را می آراید. من در رویای خود دنیایی را می بینم که در آن همه گان راه گرمی آزادی را می شناسند حسد، جان را نمی گذرد و طمع، روزگار را بر ما سیاه نمی کند. من در رویای خود دنیایی را می بینم که در آن سیاه یا سفید

- از هر نژادی که هستی -

از نعمت های گسترده ی زمین سهم می برد.

هر انسانی آزاد است

شوربختی از شرم سر به زیر می افکند

و شادی همچون مرواریدی گران قیمت

نیازهای تمامی بشریت را برمی آورد.

چنین است دنیای رویای من" (لنگستون هیوز).

بیانیه مانوتسه تون در باره...

نفر می باشند که تقریباً ۱۱ درصد تمام جمعیت آمریکا را تشکیل می دهند. آنها در جامعه در معرض اسارت و ستم و تبعیض قرار دارند. اکثریت مطلق سپاهپوستان از حق انتخابات محروم اند. آنها معمولاً تنها می توانند به سنگینترین و پست ترین کارها مشغول گردند. دستمزد متوسط آنها یک سوم یا یک دوم دستمزد سفیدپوستان است. نسبت بیکاری در بین آنها بیش از بین دیگران است. آنها در بسیاری از ایالات نمی توانند با سفید پوستان در یک مدرسه درس بخوانند، بر سر یک میز غذا بخورند، در یک اتوبوس سوار شده و یا با یک قطار مسافرت کنند. حکومت های مرکزی و محلی آمریکا، اعضای حزب کولوکس کلان و سایر نژادپرستان همیشه لجام گسیخته، سپاهپوستان را بازداشت کرده، شکنجه داده و به قتل می رسانند. قریب ۵۰ درصد سپاهپوستان آمریکا در ۱۱ ایالت قسمت جنوبی آمریکا متمرکزاند. در آن جا تبعیضات، تعقیب و شکنجه ای که نسبت به سیاه پوستان آمریکا اعمال می گردد فوق العاده وحشتناک است.

سپاهپوستان ایالات متحده آمریکا بیدار شده و مقاومت آنان روزبروز نیرومندتر می گردد. طی سالهای اخیر مبارزات توده ای سپاهپوستان ایالات متحده آمریکا علیه تبعیضات نژادی به خاطر آزادی و برابری حقوق روز به روز بیشتر به پیشرفت می گراید.

در سال ۱۹۵۷ سپاهپوستان شهر لیتل روک از ایالت آرکانزاس علیه ممانعت از ورود فرزندان شان به مدارس عمومی شهر دست به مبارزه سرسختی زدند. در اثر آنکه مقامات حاکمه برای مبارزه علیه سپاهپوستان به نیروی نظامی متوسل گردیدند، حوادثی در شهر لیتل روک رخ داد که سراسر جهان را به لرزه درآورد.

در سال ۱۹۶۰ در پیش از ۲۰ ایالت سپاهپوستان به عنوان اعتراض علیه ممانعت

از اختلاط نژادی در رستوران ها و مغازه ها و دیگر اماکن عمومی تظاهرات "نشسته" تشکیل دادند.

در سال ۱۹۶۱ سپاهپوستان به منظور مخالفت با ممانعت از اختلاط نژادی در وسایل نقلیه "جنبش آزاد مسافر" را برپا ساختند که سریعاً چند ایالت را فرا گرفت.

در سال ۱۹۶۲ سپاهپوستان ایالت می سی سی پی به خاطر کسب حقوق برابر در ورود به مدارس عالی دست به مبارزه زدند. این مبارزه از طرف مقامات حاکمه محلی با خون ریزی سرکوب شد.

در سال جاری مبارزه سپاهپوستان ایالات متحده آمریکا از اوایل ماه آوریل در شهر بیرمین گم از ایالت آلاباما آغاز شد. توده های سپاهپوستان کاملاً بی سلاح تنها به علت تشکیل اجتماعات و تظاهرات و اعتراض علیه تبعیضات نژادی دچار بازداشت های دستجمعی و وحشانه ترین سرکوب ها گردیدند. حتی در ۱۲ ماه ژوئن پیشوای سپاهپوستان ایالت می سی سی پی مدگاروس بیرحمانه به قتل رسید. سپاهپوستان خشمگین در برابر اعمال جبر و زور بیم و هراس به خود راه نداده با قهرمانی بیشتری به مبارزه برخاستند و بلافاصله مورد پشتیبانی توده های وسیع سپاهپوستان و اقشار مختلف نقاط سراسر کشور ایالات متحده آمریکا قرار گرفتند. در حال حاضر تقریباً در تمام ایالات و شهرهای ایالات متحده آمریکا به مقیاس سراسر کشور مبارزه دامنه دار و پرچوش و خروشی گسترش یافته و پیوسته اوج می گیرد. سازمانهای سپاهپوستان آمریکائی تصمیم گرفتند ۲۸ اوت "راهپیمائی آزادی" ۲۵۰ هزار نفری را به سوی واشنگتن تشکیل دهند.

پیشرفت سریع مبارزه سپاهپوستان ایالات متحده آمریکا که نشانه حدت روزافزون مبارزه طبقاتی و ملی در داخل ایالات متحده آمریکا است، موجب نگرانی هر چه جدی تر هیئت حاکمه ایالات متحده آمریکا گردیده است. دولت کندی شیوه دورویانه و حيله گرانه ای اتخاذ کرده است. از یک طرف اقدامات تبعیضات نژادی و سرکوب سپاهپوستان را تحریک کرده و در آن شرکت جسته و حتی برای سرکوب آنان واحدهای نظامی اعزام می دارد و از طرف دیگر قیافه طرفدار "دفاع از آزادی فردی"، "تامین حقوق اتباع سپاهپوست" را به خود گرفته به سپاهپوستان خطاب می کند که "تحمّل کنند"، در پارلمان کشور به اصطلاح "قوانین مربوط به حقوق اتباع" را مطرح ساخته است، بدین ترتیب تلاش دارد اراده رزمنده سپاهپوستان را فلج سازد و توده های مردم کشور را بفریبد. ولی این حيله دولت کندی را هر روز تعداد بیشتری از سپاهپوستان در می یابند. اقدامات وحشیانه فاشیستی امپریالیسم آمریکا علیه سپاهپوستان ماهیت به اصطلاح دموکراسی و آزادی ایالات متحده آمریکا را فاش ساخته... ادامه در صفحه ۶

تجاوزگران استعمارگر، باید خاک عراق و افغانستان را بی قید و شرط ترک کنند.
صهیونیسم دشمن بشریت و قاتل ملت فلسطین است

بیابانه مانوتسه تون در پاره...

و رابطه فی مابین سیاست ارتجاعی داخلی دولت آمریکا را با سیاست تجاوزی خارجی آن بر ملا می سازد.

من از کارگران، دهقانان، روشنفکران انقلابی، عناصر روشن بین بورژوازی و دیگر رجال روشن بین از نژادهای مختلف سفید، سیاه، زرد و قهوه ای رنگ و غیره سراسر جهان دعوت می کنم که متحد شده علیه تبعیضات نژادی که از طرف امپریالیسم آمریکا اعمال می گردد مبارزه کنند و از مبارزه سیاهان آمریکا بر علیه تبعیضات نژادی پشتیبانی نمایند.

مبارزه سیاهان سرانجام مسئله مبارزه طبقاتی است. تنها محافل حاکمه مرتجع سفیدپوستان آمریکاست که سیاهپوستان را مورد ستم و ظلم قرار می دهد. این هیئت حاکمه بهیچوجه نمی تواند نماینده کارگران، دهقانان، روشنفکران انقلابی و سایر رجال روشن بین که اکثریت مطلق سفیدپوستان را تشکیل می دهند باشد.

اکنون مشتی امپریالیستها به سردمداری ایالات متحده آمریکا و دنبال روانشان یعنی مرتجعان کشورهای مختلف، اکثریت مطلق ملل و خلقهای سراسر جهان را مورد ستم، تعرض و تهدید قرار داده اند. آنان اقلیتند و ما اکثریت. آنها حداکثر کمتر از ۱۰ درصد جمعیت ۳ میلیاردی سراسر جهان را تشکیل می دهند. من عمیقاً اطمینان دارم که مبارزه عادلانه سیاهپوستان ایالات متحده آمریکا با پشتیبانی خلقها که بیش از ۹۰ درصد جمعیت سراسر جهان را تشکیل می دهند مسلماً به پیروزی منتهی خواهد گردید. سیستم لعنتی استعماری و امپریالیسم که به اسارت و خرید و فروش سیاهپوستان رشد کرد حتماً با آزادی نهائی سیاهپوستان به پایان خواهد رسید.

ابزارهای نفوذی استعماری...

این جهت نظارت بر این امر بر عهده این نهاد ها واگذار شد.

امروز ۱۸۷ کشور عضو این صندوق هستند و این صندوق بین المللی پول؛ همسو با بانک جهانی به ابزار سلطه اقتصادی و سیاسی امپریالیست ها، بویژه امپریالیسم آمریکا، بر جهان تبدیل شده است. کلیه تصمیمات مهم صندوق نیازمند ۸۵ درصد آراء هستند که سهم آمریکا به مثابه بزرگترین سهامدار آن به قدری است که عملاً در تصمیم گیریها از حق وتو استفاده می کند.

یادآوری این نکته نیز لازم است که دولت آمریکا در صندوق بین المللی پول در واقع از خود استقلال چندانی ندارد، بلکه نظرات و منافع "وال استریت" (Wall Street) و "هج فوند"ها (hedgefund) (صندوقهای سرمایه گذاری های پُرخطر) را به اجرا می گذارد.

دولت آمریکا مجری سیاستهای اقتصادی کلان سرمایه داران انحصاری است.

صندوق بین المللی پول که سنتا رئیس اش یک اروپائی است و در حال حاضر در دست

فرانسه است برای جلب رضایت چین که به مقابله با سامان مالی امپریالیستی برخاسته است حاضر شده به یک عقب نشینی در مقابل چین دست زند.

خانم "کریستیان لاگارد (Christine Lagarde)" رئیس صندوق بین المللی پول در ۲۱ مارس ۲۰۱۵ در پکن اعلام کرد که واحد پول چین "یوان (Yuan)" را وارد سبد ارزی سایر ممالک برخوردار از این حق می کند (ین ژاپن، یورو از اروپا، دلار آمریکا و پوند بریتانیا). این سبد ارزش مصنوعی پایه ای است که بر اساس آن "حق برداشت ویژه" به رسمیت شناخته می شود. خانم لاگارد در تاریخ ۳۰ نوامبر سال ۲۰۱۵ به این وعده خود وفا کرد و در اثر فشار چین که دومین کشور جهان از نظر قدرت اقتصادی است واحد پول چین "یوان (Yuan)" را به این سبد افزود. این یک عقب نشینی و دادن رشوه به چین در چارچوب تشدید تضادهای ممالک امپریالیستی است و ضربه مهمی به دلار محسوب می شود که از قدرتش کاسته می گردد.

این صندوق با اعطای وامهای هدمند به ممالک نیازمند، شرایط بسیار دشواری را برای کشورهای متقاضی تعیین می کند. به قسمی که با تعیین و تحمیل برنامه های ریاضت اقتصادی عملاً در امور اقتصادی کشورهای دریافت کننده وام، دخالت و اخلال می نماید و آنها را از نظر اقتصادی و در نهایت سیاسی به سرمایه های بین المللی و کشورهای سرمایه داری پیشرفته وابسته می سازد. این نهاد عملاً چیزی نیست جز عامل اجرای سیاست های سرمایه های کلان مؤسسات اعتباری و بانکی.

رهنمود صریح صندوق و اصرار در خصوصی سازی صنایع دولتی، آموزش و پرورش، خدمات اجتماعی، شرکت های مخابراتی، حمل و نقل و ترابری، سیستم راه آهن، بهداشتی و بهداشت، در خدمت به شرکت های چند ملیتی می باشد.

آنها به عرصه هایی چون بودجه ریزی دولتی، تنظیم ضوابط صنعتی، قیمت گذاری محصولات کشاورزی، تنظیم ضوابط بازار کار، خصوصی سازی و سایر عرصه وارد می شوند. این صندوق هر روز از شرایط نخستین خویش برای اعطای وام فزاینده و اعطای وام هایش را منوط به شروطی در رابطه با تحقق خواسته های جدید می نماید. این شروط شامل دخالت این دو نهاد وام دهنده در عرصه هایی هست که تا آن موقع حتماً نمی شد تصورش را به مخیله خاطر داد. عرصه هایی از قبیل دموکراسی، تمرکز زدایی دولتی، استقلال بانک مرکزی، و نحوه اداره ی بنگاه های اقتصادی. بر اساس نظریات این اهرمهای استعماری هر کاری که در کشوری صورت گیرد تبعات بر عملکرد اقتصادی کشور دارد.

پس با این منطق، لازم می آید که "صندوق بین المللی پول" و "بانک جهانی" بتوانند

شروطی را بر هر چیز تحمیل کنند، از تصمیمات مربوط به تولید مثل، یکپارچگی قومیت ها و برابری جنسی گرفته تا ارزش های فرهنگی. منتقدان جهانی صندوق بین المللی پول که این صندوق را یک رباخوار جهانی می دانند به درستی معتقدند که نهادهای مالی بین المللی از جمله این صندوق، عاملان اجرایی سرمایه مالی اند. این سیاست دقیقاً همان سیاست کهن است که در گذشته، تفنگ داران دریایی آمریکا و سایر استعمارگران عاملان اجرایی آنها بودند و سیاستهای استعماری را با حضور واقعی و علنی خود در محل اعمال می کردند. البته نیاز به استفاده از تفنگ داران دریایی مدرن هنوز از صحنه کنونی جهان زوده نشده است و همچنان مداخله های نظامی آنها نقش مهمی در نظم نوین جهانی ایفا می نماید، ولی بندهای نامرئی وامهای صندوق بین المللی پول همان نقش نیروی نظامی استعماری را به نحو موزیانه تر و "انسانی تری" بازی می کند. با این ابزار استعماری هم مسیر ناوگانهای غذایی در آبراه های جهانی تغییر می کند و هم حکومت های نامناسب را بر سر جایشان می نشانند. مالکان سرمایه های کلان جهانی با نیازمند کردن کشورها به وامهای این صندوق در واقع تروریسم مالی را بر جهان حاکم می گرداند. صندوق بین المللی پول یک دیکتاتور و تروریست اقتصادی برای سلطه گری است.

تونی بلر یک جنایت کار..

جاسوسی شاخ و برگ داده است. یکی از کارمندان دولت به نام آقای "روبین باتلر" (Robin Butler) که خودش کارشناس امنیتی است، اشاره می کند آقای "تونی بلر" اطلاعات سازمانهای جاسوسی را به صورت مبالغه آمیز و با بزرگنمایی مطرح کرده است. ماموران امنیتی به وی گفته اند که: "این اطلاعات خودسرانه و مملو از نقص هستند" و آقای "تونی بلر" با وجود این در مجلس عوام انگلستان خلاف آنرا به گوش نمایندگان ملت رسانده است و از "جامعیت، دقت و رسمیت" این اخبار سخن رانده است. وی سپس با مزاح می گوید "من به این دروغ نمی گویم" ولی دیگران می گویند.

کمیسون "چیلکت" ظاهراً به سخنان ۱۵۰ نفر شاهد گوش فرا داده، ۱۵۰ هزار سند را که محرمانه بوده و همه بخشهای "امنیتی" آنها با رنگ سیاه ناخوانا شده بوده است را مورد بررسی؟؟؟؟ قرار داده تا به این نتیجه نرسد که آیا شرکت در جنگ توسط بریتانیا قانونی یا غیر قانونی بوده است. حتی بر سر انتشار این سند ناقص هم توافق کامل وجود نداشته است. کمیسون همه تلاش خود را به کار برده است تا به مردم جهان مجدداً دروغ بگوید و "اسناد" را طوری سرهم بندی نماید که خانواده شهدا امکان تقاضای خسارت...

..ادامه در صفحه ۶

حاکمیت رویونیسم، دیکتاتوری بورژوائی است و نه دیکتاتوری پرولتاریا

و "تونی بلر" جنایتکار جنگی اند، ولی از آنجا که ما در دنیای زور و قلدری زندگی می کنیم هیچ نیروئی قادر نیست این جنایتکاران را به پای میز محاکمه بکشاند. "تونی بلر" حتی بعد از دوران نخست وزیریش در بریتانیا شغل پر نان و آب کمیسیون چهارنفره برای رسیدگی به اوضاع فلسطین را از طرف دبیرکل دست نشانده سازمان ملل به عنوان ناز شست تجاوز به عراق دریافت داشت و آنقدر از این کمیسیونهای بی ضرر و سرگرم کننده درست می کنند و مسایل را کش می دهند تا "تونی بلر" بمیرد و جنایات امپریالیسم انگلستان که به دست وی به انجام رسید لاپوشانی شود. تجربه کمیسیون حقیقت یاب بریتانیا در مورد "بلر" گواه ریاکاری امپریالیستهاست. آنها به هر اقدامی برای فریب افکار عمومی از سکوهای پارلمان و رسانه های گروهی دست می زنند تا حقایق را کتمان و حقوق ملتها را پایمال کنند. تنها با نابودی امپریالیسم است که می توان مانع از بین رفتن مرزهای ملی و ایجاد دنیای بدون مرز برای امپریالیستها شد. هیچگاه نباید فریب مانورها و بازیگری امپریالیستها را خورد. در پس هر مانور آنها منافع غارتگرانه آنها نهفته است که می خواهند با فریب مردم آن را قابل پذیرش بگردانند. این امپریالیسم اکنون در پی حمایت از داعش و رساندن تسلیحات به آنهاست. پایه منتظر کمیسیونهای حقیقت یاب بعدی برای پرده پوشی واقعههای جدید شد.



بوش" و "تونی بلر" که شخص اخیر مدعی بود صدام حسین در عرض ۴۵ دقیقه لندن را با موشک می زند، دروغ محض و جنایتکارانه و ساختگی بوده اند. اینکه گفته می شود اطلاعات سازمانهای جاسوسی نادرست بوده است دروغی بیش نیست. زیرا سازمانهای جاسوسی نمی توانند ماکتلهای ساختگی جعل کنند و تصاویر ساختگی از مواد و اشیاء و ساختمانهایی که وجود ندارند ارائه دهند، مگر اینکه بدانند که جعل سند می کنند و دروغ می گویند و این دروغگویی با اجازه دولتمردان است، زیرا هیچ سازمان جاسوسی بر ضد کشور و ریاست جمهوری سند جعل نمی کند تا سر رئیس جمهور خودش را کلاه بگذارد. چنین کاری نقض غرض است. "جرج بوش"

تونی بلر یک جنایت کار..

نداشته و دیوان داوری لاهه "تونی بلر" را به عنوان جنایتکار جنگی مقابل این دادگاه قرار ندهد.

در مورد خانم مرکل آلمانی صدراعظم کنونی آلمان، کسی صدایش در نمی آید. وی در سخنرانی خویش در مورد توجیه تجاوز و جنایت در عراق و حمایت از "تونی بلر" و "جرج بوش" گفت: "ما به نقطه ای رسیده ایم که در آن جنگ غیر قابل اجتناب بود. بیعملی صدمات به مراتب بیشتری می زد" (به تاریخ ۲۶/۰۳/۲۰۰۳ در برنامه کانال اول تلویزیون آلمان).

واقعیت این است که تجاوز به عراق، لیبی، سوریه، افغانستان و یا اشغال فلسطین و قصد تجاوز به ایران ناشی از بدخلقی و یا خودسری و دیوانگی "جرج بوش" و "تونی بلر" و همدستانشان نبوده است. منافع امپریالیسم ایجاب می کرده و می کند که وی به بازارهای جدید دست یافته، رقبای خویش را از میان برداشته و منابع انرژی و سوخت جهان را تحت نظارت و کنترل خود در آورد. مرزهای جغرافیایی باید بر اساس نظم نوین جهانی و به تناسب توازن جدید قوا در خاور میانه تقسیم شوند. این تجاوز و جنایتکاری با آگاهی، با جعل سند و پرونده سازی صورت گرفته است. صدام حسین فاقد بمب اتمی بوده است و هرگز کارخانه های تولید تسلیحات کشتار جمعی نداشته است. همه ادعاهای "جرج

(مقالات توفان الکترونیکی شماره ۱۲۱ مردادماه ۱۳۹۵ منتشر شد)

آنها در تارنمای توفان مطالعه نمایند

جنگ مافیای قدرت و دزدیهای نجومی-چهل ونهمین سالگرد پایه گذاری سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان مبارک باد! -یادی از رفیق حسن مختاری-به مناسبت سی و سومین سالگرد اعدام جنایتکارانه او -درحاشیه سخنرانی حسن روحانی و شعر وشعار او! ، درحاشیه ترورجنایتکارانه در نیس- اطلاعیه حزب کار ایران (توفان) - ترکیه در باتلاق بحران سیاسی فرومی رود -سوء قصد در "نیس" ، اطلاعیه حزب کمونیست کارگران فرانسه - اطلاعیه حزب کار ترکیه در مورد کودتای نافرجام ، انتخاب مردم، انتخاب بین کودتای نظامی و دیکتاتوری یک فرد و یک حزب نیست - سلطنت به گور سپرده شد، افسوس عقرب جرار مخور! - ضد شوروی کیست؟ - بیانیه کمیته هماهنگی کنفرانس بین المللی احزاب و سازمانهای مارکسیست لنینیست

پس از رای به خروج انگلستان از اتحادیه اروپا
گشت و گذاری در فیسبوک . پاسخ به چند پرسش

توفان الکترونیکی شماره ۱۲۱ مرداد ماه ۱۳۹۵ اوت ۲۰۱۶

www.toufan.org نشریه الکترونیکی حزب کار ایران toufan@toufan.org

http://toufan.org/ketabkane.htm
http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm
https://twitter.com/toufanhezbekar
https://www.facebook.com/toufan.hezbekar
https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=ts

سایت کتابخانه اینترنتی توفان
سایت آرشیو نشریات توفان
توفان در توییتر
توفان در فیسبوک
توفان در فیسبوک به زبان انگلیسی

از میراث انقلابی جنبش کمونیستی ایران تجلیل کنیم

"تونی بلر" یک جنایتکار جنگی است و امپریالیسم "دموکرات" بریتانیا در پی تبرئه وی است

مطبوعات جهان خبر دادند کمیسیون تحقیق "جان چیلکوت" (John Chilcot) در باره جنگ عراق و نقش "تونی بلر" (Tony Blair) نخست وزیر وقت انگلستان در آن، بعد از هفت سال در خدمت فراموشی، کار خویش را به پایان رسانید و نتایج رسیدگی خود را منتشر کرد.

این گزارش که باید خیلی مختصر و مفید باشد و مسئولیت آقای "تونی بلر" را مشخص کند، مرکب از ۲/۶ میلیون واژه پشت سرهم است. واژه هائی مبهم، کشدار و درازگوئی های بی مورد تا شفافیت فدای پرگوئی شود و ظاهر دموکراسی بورژوائی امپریالیستی حفظ گردد. مردم نگران و ناراضی باید سرشان با این "قاقا لی لی" ها گرم شود که کمیسینی پهلوان وار به وسط میدان پریده تا حق را به حق دار برساند و دامن دموکراسی لکه گرفته امپریالیسم انگلستان را جلا دهد. برای رسیدگی به خطای نخست وزیر، برای ممانعت از خدشه دار شدن دموکراسی، این به میدان آمدن ضروری است، تا نظارت "مستقیم مردمی" بر این رویداد تاریخی اعمال گردد و وجدانهایی برافروخته تسکین بگیرند. آقای "بلر" که از کار کمیسیون ترسی به دل راه نمی دهد و برای کارش تره هم خورد نمی کند، با خیال راحت در تکمیل ادعاهای کمیسیون مدعی است که "اشتباهاتی صورت گرفته، ولی حمله به عراق به هر صورت درست بوده است". این ادعا و سخنان آقای "تونی بلر" برای کمیسینی که بعد از هفت سال "تحقیقات بی طرفانه و همه جانبه"، مجبور شده اعتراف کند برای این تجاوز کوچکترین زمینه توجیه حقوقی وجود نداشته است، یک تو دهنی درست و حسابی محسوب می شود.

کمیسیون به جای بررسی دروغهای دولتمردی که با آگاهی و بی شرمی به کشتار صدها هزار عراقی دست زده و منطقه را همراه اربابش جرج بوش به آشوب و آتش کشیده است و به جای تعیین نقش و مسئولیت جنایتکارانه وی می نویسد: "اقدام نظامی در آن زمان آخرین امکان موجود نبوده است" ولی با وجود آن آقای "تونی بلر" به دنباله روی از "جرج بوش" برخاسته و اظهار داشته است ما در کنار آمریکا هستیم "هر چه بخواهد بشود". کمیسیون سپس کارشناسانه می گوید که جنگ که زمانی آقای "تونی بلر" شروع کرده که نقشه و تدارک جنگ "بشدت ناکافی" بوده و این عدم برنامه ریزی و فقدان کفایت در شرایط بعد از جنگ و بی برنامهگی برای آینده عراق نیز به چشم می خورد. از نظر کمیسیون: "با وجود هشدار، به عواقب ناشی از پیاده کردن نیرو در عراق، کم بهاء داده شده است". کمیسیون که در واقع طلبکار است، انتقاداتش در این حدود است که ما در ورود به جنگ بدون تدارک و آمادگی و برنامه ریزی شتاب به خرج داده ایم!؟؟ و این اشتباه محض بوده است. روشن است که چنین ارزیابی جنگجویانه ای اظهار تاسف از شرکت در جنگ نیست، ابراز تاسف از بی برنامهگی در جنگ است و طبیعتاً نمی تواند انتقاد بیرحمانه و افشاءگرانه ای درمورد دروغهای "تونی بلر" باشد. کمیسیون در مورد دروغ "تونی بلر" می گوید که آقای "تونی بلر": "حداقل به سردرگمی افزوده"، زیرا ادعای اینکه "آقای صدام حسین سلاحهای کشتار جمعی داشته است با اطمینان خاطری که موجبات توجیه اقدام نامبرده را فراهم آورد، نبوده است".

مفهوم این عبارت دراز و استفاده از واژه های مبهم و قابل تفسیر از آن جهت است تا گفته نشود آقای "تونی بلر" دروغ گفته است. در گزارش از این صحبت می شود که آقای "تونی بلر" به گزارشات سازمانهای ... ادامه در صفحه ۶



مستخرجی از گزارش سیاسی حزب کار
ایران (توفان) به کنگره پنجم حزب کار
اوضاع جهان-بخش نخست ایران.

ابزارهای نفوذی

استعماری امپریالیسم

صندوق بین المللی پول IWF

سرمایه داران به منظور جلوگیری از پیدایش اُفت های سریع و مخرب در خرید و فروش سهام، که منجر به فرو پاشی بافت های اقتصادی یک کشور و در نتیجه سقوط دولت ها و بی ارزش شدن پول و ارز آن کشور ها می شد، "صندوق بین المللی پول" را به عنوان ناظر آفریدند که امر پانیدن و نظارت بر این بیماری سرمایه داری را به عهده گیرد. این نوسانات ارزی منجر به آن می شد که با کاهش شدید بهای سهام در بازارهای جهانی بورس که باعث نزول سودآوری و نرخ بهره، و از بین رفتن سریع سرمایه ها می شد، ما با گسترش "نابسامانی" های اقتصادی و اجتماعی روبرو شویم و به ... ادامه در صفحه ۶

www.toufan.org

صفحه توفان در شبکه جهانی اینترنت.

toufan@toufan.org

نشانی پست الکترونیکی

سخنی با خوانندگان: نشریه ای که در دست دارید زبان مارکسیست لنینیستهای ایران است. "توفان" نشریه "حزب کارایران" حزب واحد طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه رساتر شدن به یاری همه کمونیستهای صدیق، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی برسانید، زیرا ما تنها با اتکاء بر نیروی خود پابرجانیم و به این مساعدت ها، هر چند هم که جزیی باشند نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید، هزینه گزاف پستی مانع از آن است که بتوانیم آن را بدست همگان برسانیم.

Toufan حساب بانکی
Postbank Hamburg
BLZ: 20110022
KontoNr.: 2573372600
Germany

آدرس
Toufan
Postfach 103825
60108 Frankfurt
Germany